

مردی که دنیا اورا نشناخت

در آن روزگار (چهارده قرن پیش) که آلودگی و ناپاکی زنان در جزیره العرب امری ساده و عادی بود؛ بانومی که در یکی از شریف ترین خانواده ها پرورش یافته بود در پاکدامنی و پارسائی گوی سبقت از بانوان عصر خود برده بود، این بانوی باشخصیت که همچون همسر ارجمند خود ابوطالب از خانواده هاشم بود و هم در آن خانواده تولد و تربیت یافته بود فرزندی آورد که بعداً بر اثر شخصیت بزرگ جهانی این فرزند، نام این بانو همراه نام فرزندش شهرت جهانی یافت:

فاطمه - دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف که بزهد و عبادت معروف بود طبق عادت معمول خود برای انجام مراسم بندگی بسجده الحرام رفته تا کرد خانه خدا - کعبه معظمه - طواف کند و بدرگاہ پروردگار عالم عرض حاجت نماید خانه کعبه پیش از اسلام بلکه از زمان آدم ابوالبشر (۱) همیشه مورد احترام بوده، و بندگان مختصر بلکه بت پرستان در کنار این بیت عزیز بدرگاہ خداوند روی نیاز می برده و عرض حاجت میکردند، همسر پرهیزگار ابی طالب سرگرم طواف و انجام مراسم عبادت گشته، او چه میدانند که ممکن است در این حال حادثه غیر منتظره ای پیش آید؛ او هیچگاه فکر نیک کرد که در حال طواف کعبه گرفتار درد مناس - زائیدن - و وضع حمل میشود، ولی برخلاف انتظار همانوقت که مشغول طواف و انجام مراسم عبادت بود؛ یک نوع ناراحتی خاصی در خود احساس کرد که حدس میزد، مقدمه وضع حمل باشد، شاید در آنحال باطراف خود نگریست که اگر همسرش ابی طالب را در آنجا بیابد او را بیاری بطلبد، یا اگر از نزدیکان و بستگان خود کسی را بیندازد او کمک بخواهد، ولی متأسفانه کسی را نیافت که بیاری خویش بطلبد، کم کم حالش غیر عادی شد شاید هم اگر کسانی در غرفه ها و ایوان های اطراف مسجد الحرام نشسته بودند متوجه شدند که حال همسر ابوطالب در گون شده بانوی پرهیزکار وضع روحی عجیبی پیدا کرده، عجباً مگر ممکن است کسی در مسجد الحرام وضع حمل کند؟ بارالها

چکنم؟ من که قدرت ندارم بنازل بروم و کسی هم نیست بمن کمک کند و مرا از مسجد الحرام بیرون ببرد، آیا اگر بحکم اضطرار نوزاد من در اینجا متولد شود چه خواهد شد؟ اگر در کنار کعبه طفل من بدنیا آید مردم بمن چه خواهند گفت؟ پروردگارا آیا راه خلاصی هست؟ آیا ممکن است در این لحظه حساس دست عنایت تو بسوی من دراز شود و فضل خداوندیت مرا از این بن بست نجات دهد؟

عنایت مخصوص پروردگار .

بانوی مضطرب و دل شکسته از شدت درد بخود می پیچد و دیگر نمیتواند آرام بگیرد در آن حال که اضطراب و التهاب وی بمنتهای شدت رسیده و از هر جهت بیچاره گشته، و به پرده کعبه در آویخته و رازنهایی و سوز دل خود را با خدای خویش در میان گذاشته بود، ناگهان دیوار کعبه شکافته شد و همسر ابی طالب بدرون خانه خدا رفت و از انتظار غایب گشت دیگر کسی درست نمیداند که در اندرون بیت الله بر آن بانو چه گذشته (۱) شاید مردمی که در آنجا بودند گرد کعبه جمع شدند تا اگر بتوانند بفهمند که بروی چه میگذرد و شاید کمی بعد صدای نوزادی راشنیدند که همچون زمزمه مرغ سحر بگوش میرسید این حادثه در سیزدهم ماه رجب سی سال پس «از عام الفیل» واقع شد هر چه بود فاطمه بنت اسد هنگامیکه از کعبه بیرون آمد نوزاد پسری را در آغوش داشت این نوزاد علی بن ابیطالب (ع) بود که چهارمین پسر ابیطالب بشمار میآید.

طبیعی است و قتیکه ابوطالب از تولد این پسر آنهم در خانه کعبه آگاه شد غرق شادی گشت شریف ترین مکان در نزد عرب حرم مکه بود و شریفترین مکان حرم مسجد الحرام بود و شریفترین نقطه مسجد الحرام کعبه معظمه بود، ناگفته پیداست که با تولد این نوزاد در خانه کعبه تاچه حد بر احترام و شخصیت ابی طالب افزوده گشت.

علی (ع) در حدود ده سال پیش از طلوع اسلام بدنیا آمد و زندگی او را میتوان چنین

تفصیل تقسیم کرد .

فصل اول از تولد تا طلوع اسلام ۱۰ سال .

فصل دوم از طلوع اسلام تا هجرت ۱۳ سال .

(۱) در اینجا در تواریخ مفصل مطالبی را آورده اند که خواننده را دچار حیرت میکند و بر افراد بصیر پوشیده نیست که دست افسانه سازها در جعل این قضایا دخالت داشته است، هیچ لزومی ندارد که برای اثبات عظمت امیر المؤمنین سلام الله علیه کسی دست بساختن اینگونه داستانهای حیرت انگیز بزند زیرا قطعاً نتیجه معکوس خواهد داد .

فصل سوم از هجرت تا وفات رسول خدا (ص) ۱۰ سال .

فصل چهارم از وفات رسول خدا (ص) تا قتل عثمان ۲۵ سال .

فصل پنجم از قتل عثمان تا پایان عمر، ۵ سال . حاصل جمع ۶۳ سال .

فصل اول

فصل اول زندگی علی (ع) که باید آنرا آرام‌ترین و شیرین‌ترین دوران زندگی وی دانست در آغوش و دامن و کنار پسر عم عزیزش محمد امین که هنوز بر سالت مبعوث نشده بود پایان رسید ، زیرا ابوطالب که مردی آبرومند و باشخصیت بود در اواخر عمر تهی دست شده بود و بستگان بامحبت وی برای آنکه باز زندگی او را سبک‌تر کنند سه نفر از فرزندان وی را بمنزل خود برده و تحت سرپرستی خود در آوردند ، از آنجمله رسول خدا (ص) که پانزده سال پیش از طلوع اسلام بواسطه ثروت فراوان خدیجه از نظر اقتصادی کاملاً متمکن شده بود علی (ع) رابخانه خویش برد و تحت سرپرستی خود و جزء عائله خود در آورد ، طبق مدارکی که در دست است (۱) رسول خدا (ص) در زمان کودکی علی (ع) نظارت دقیق بر احوال او داشته و در تعلیم و تربیت وی منتهای کوشش و مراقبت را مبذول میداشته ، و علی (ع) هم در پذیرفتن تعلیم و تربیت پسر عمش و در اطاعت فرمان وی کاملاً مطیع و فرمانبردار بوده است باید گفت بنیان ترقی روحی و تکامل معنوی فرزند ابی طالب در همان زمان کودکی در دامن پیغمبر اکرم پایه گذاری شده است .

فصل دوم

فصل دوم زندگی علی (ع) را باید آغاز کوشش و مجاهدت و رنج و تعب وی دانست از همان روز طلوع اسلام که زمان غربت اسلام بود علی بن ابیطالب که داوطلبانه اسلام را پذیرفت دوش بدوش رسول خدا (ص) در راه ترویج اسلام جانفشانی میکرد ، و در این راه از تحمل انواع شدائد و سختی‌ها و تلخی‌ها و ناکامیها بلك نداشت ، در این سیزده سال همه ظلمها و عداوتها را از مشرکین مکه بخود هموار کرد ، و خوشدل بود که این همه رنج و ستم را در راه حمایت رسول خدا (ص) و تقویت اسلام میکشد و هرگز از این پیش آمد ناراضی نبود .

فصل سوم

فصل سوم زندگی علی (ع) را که از هجرت آغاز میشود باید بر حادثه‌ترین قسمت زندگی وی دانست ، زیرا همه جنگهای زمان رسول اکرم (ص) در این فصل واقع شد ،

و جانبازی‌ها و فداکاری‌های فرزندان این طالب در جنگهای اسلام آتقدراشکار است ، که حاجتی بتوضیح وتفصیل ندارد ، حتی در بعض جنگها فتح و پیروزی فقط بدست اونصیب مسلمین شد ، و در برخی ازغزواتمخصوصاً غزوة احد ضربتهای سختی بوی وارد شد و بعضی از ضربتها که عمقی تر بود اثرش تا آخر عمر دوسینه اوماند ، و آثار این ضربتها مدالهای افتخاری بود که برسینه پسر برومند ابوطالب بلکه برسینه اسلام نصب شده بود علی (ع) در این فصل از زندگی بعد از جنگ بدر ازدواج کرد و با اینکه با نشاط ترین قسمت زندگی انسان وقتی است که تازه با همسری لایق وشایسته ازدواج کرده باشد و با اینکه امیرالمؤمنین سلام الله علیه بی اندازه به مسر عزیزش فاطمه زهرا علاقه داشت مع ذلك در خطرناکترین جبهه های جنگ بی پروا پیش میرفت و خود را در کام مرگ فرو میبرد و از کشته شدن در راه هدف خویش باک نداشت .

فصل چهارم

فصل چهارم زندگی علی (ع) را که از سال تقسیمها طولانی تر بود باید فصل انزوا و گوشه گیری و سکوت دانست پس از وفات رسول خدا (ص) پیش آمد ، و برای علی (ع) مشکلات زیادی ایجاد کرد . در موضوع حکومت و خلافت اسلامی جریاناتی بوجود پیوست که هیچگاه فرزندان این طالب فکر آنرا نیکرد (۱) افرادی موقع شناس با کمال شتاب و چالاکی رئیس حکومت اسلامی را تعیین کردند ، و امیرالمؤمنین علیه السلام را در مقابل عمل انجام شده ای قراردادند او پس از آنکه مطمئن شد احتجاج و استدلال نتیجه ندارد ودانست که کشمکش وجنگ هم جز خونریزی و تشدید اختلاف و عیب کردن شکاف وضعیف نمودن قوای اسلام نمیری ندارد سکوت تلخ را برقیام واقدام ترجیح داد .

دوران سکوت علی (ع) بیست و پنج سال طول کشید که در تمام این مدت از صحنه سیاست اسلامی بیرون بود فقط گاهی برای حل مشکلات علمی و کمک های فکری ومساعدت های نظامی بوی مراجعه میکردند و او هم بی دریغ هر گونه مساعدت را مینمود ، حتی فرزندان خود را در ردیف سایر سر بازان اسلام بجنگ میفرستاد ، حسین بن علی (ع) در فتح قسطنطنیه و فتح طرابلس و فتح افریقای شمالی در جنگ شرکت کرده بود (۲) وطبعاً این امر با اشاره ومواقف علی (ع) انجام شد .

ناگفته پیداست بیست و پنج سال سکوت و کناره گیری تا حدود زیادی از شخصیت و

عظمت امیر المؤمنین (ع) در انظار عمومی می‌کاهد علی بعد از قتل عثمان با علی زمان حیوة رسول خدا (ص) خیلی فرق داشت زمان حیوة پیغمبر خدا (ص) خصوصاً سالهای آخر زندگی او نام فرزند ابوطالب همراه با افتخارات زیادی بر سر زبانها بود زیرا علاوه بر جان بازیهای که او در راه اسلام کرد و طبعاً در نزد مردم عزیز میگشت و نامش با احترام زیادی برده میشد احترامات زیادی که رسول خدا نسبت بوی معمول میداشت در افزودن شخصیت و عظمت او در نظر مردم تأثیر فراوان داشت .

اماعلی (ع) بعد از قتل عثمان یعنی بعد از بیست و پنج سال کناره گیری بدیهی است که طبعاً نام او در این مدت کمتر برده میشد زیرا هیچ نوع شغل سیاسی نداشت ، بلکه اغلب بامور کشاورزی اشتغال داشت شخصی که بیست و پنج سال فقط کشاورز باشد در نظر نسل جدید بدیهی فرد عادی بشمار میآید ، باید گفت دنیای آنروز علی (ع) را شناخت ؛ و حق او را اداء نکرد و این معنی در مجهول بودن قدر وی در زمانهای بعد هم تأثیر مستقیم داشت .

فصل پنجم

فصل پنجم زندگی علی (ع) گرچه زمانش کوتاه تر از فصلهای دیگر است اما با ملاحظه کوتاهی زمان مشکلات و رنجها و عذابی که از ناحیه مردم خصوصاً رجال سیاسی در این مدت متوجه حضرتش شد زیاد تر و طاقت فرساتر از مشکلاتی بود که قبل از این زمان برای وی پیش آمد ، از هنگامیکه بعد از قتل عثمان زمام حکومت اسلامی را با فشار و اصرار بوی سپردند تا پایان عمرش که در حدود پنج سال طول کشید تقریباً تمام وقت او مصرف سر کوبی گردنکشان سیاسی شد ؛ و بحکم اضطرار و اجبار جنگهای داخلی شروع شد . قسمت اعظم قدرت حکومت علی (ع) و بودجه دولت او در راه جنگ صرف شد و در این جنگها در حدود چهل هزار سرباز از طرفین بخاک و خون غلطید و روح حساس و قلب مهربان فرزند ابوطالب از این خونریزها و تشنجات سیاسی باندازه ناراحت شده و رنج میبرد که با آن شرح صدر و وسعت فکر و قدرت عقلانی که او داشت مرگ خود را از خداوند میطلبید ؛ و هنگامی از این رنج و عذاب خلاص شد که چشم از این جهان فرو بست !

اگر بگوئیم علی (ع) مردی است که قبل از حکومتش و در زمان حکومتش و در زمانهای بعد دنیا اورا شناخت کزاف نگفته ایم . فرزند ابوطالب در خانه خدا (کعبه) متولد شد و در خانه خدا (مسجد کوفه) ضربت خورد و در راه خدا مجاهدت و فدا کاری کرد و در راه خدا جان سپرد ولی دنیای سرکش و بی‌عاطفه حق او را شناخت و بحقیقت او پی نبرد فاعلام علیه یوم و ولد و یوم مات و یوم یبعث حیا .